پسری که در نوجوانی مرتکب قتل شده بود از قصاص نجات یافت

۲ بار تا پای چوبه‌دار رفته‌ام

حکم قصاص پسر نوجوانی که در ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود، با استناد به قانون جدید مجازات اسلامی متوقف و متهم بار دیگر محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما متهم که حالا پسری ۲۸ ساله به نام فربد است، اول اردیبهشت‌ماه سال ۸۳ در حالی که نوجوانی ۱۷ ساله بود، در یکی از محله‌های رباط کریم مرتکب قتل شد. او وقتی بازداشت و مورد تحقیق قرار گرفت، در شرح ماجرا گفت در حال عبور از محل بودم که متوجه شدم دعوا شده است. برای میانجیگری میان طرفین دخالت کردم و دعوا تمام شد. همه چیز خیلی خوب پیش می‌رفت تا اینکه کامران، یکی از طرفین دعوا به طرف کیوسک روزنامه‌فروشی دوید و از آنجا چاقو و زنجیر برداشت. دوباره دعوا شد. کامران و برادرش شروع به کتک زدن طرفین کردند. وقتی کامران مقابلم قرار گرفت دست به جیب بردم و چاقویی را که همراهم بود، کشیدم. چاقو را مقابل او گرفتم تا بترسد و جلو نیاید. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد و چاقویم به بدنش فرو رفت. نمی‌دانم این اتفاق چطور رقم خورد؛ چراکه اصلاً قصد نداشتم او را بکشم. به هر حال او زخمی شد. بعد او را به بیمارستان منتقل کردند و خبر رسید که فوت شده است.

فربد در مراحل بعدی بازجویی هم این حادثه را شرح داد. با کامل شدن بررسی‌ها او از طرف بازپرس مجرم شناخته شد و کیفرخواست به اتهام قتل عمد علیه او صادر شد و پرونده برای رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه وقت کیفری استان تهران قرار گرفت. در حالی که اولیای دم برای پسر نوجوان درخواست قصاص کردند، او برای هیئت قضایی شرح داد که قصد میانجیگری داشته و ناخواسته مرتکب قتل شده است. دفاعیات پسر نوجوان از طرف هیئت قضایی پذیرفته نشد و او به مجازات قصاص محکوم شد. با اعتراض پسر نوجوان به رأی دادگاه، پرونده در دیوان عالی کشور بررسی شد، اما قضات دیوان با رد اعتراض فربد، رأی قصاص را تأیید کردند.

تلاش‌های فربد برای جلب رضایت اولیای دم ثمر نداشت و نام او در میان محکومان به مرگ ثبت شد تا اینکه با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی، وکیل او با ارائه لایحه‌ای از دادگاه درخواست رسیدگی مجدد کرد. براساس ماده ۹۱ در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

بنابراین با قبول درخواست وکیل متهم، رأی قصاص متوقف شد و پرونده برای رسیدگی مجدد روی میز هیئت قضایی شعبه چهارم دادگاه کیفری شماره یک استان تهران قرار گرفت.

فربد در جلسه رسیدگی به پرونده به هیئت قضایی گفت من ۱۷ ساله بودم و سال سوم دبیرستان درس می‌خواندم که مرتکب قتل شدم و حالا جوانی ۲۸ ساله هستم. بهترین دوران زندگی‌ام را در حبس گذراندم به خاطر اینکه خواستم در یک دعوا میانجیگری کنم. به خاطر ارتکاب این قتل دوبار تا پای چوبه‌دار رفتم تا اینکه قانون به کمک من آمد و از مرگ نجات پیدا کردم. در این مدت در زندان ادامه تحصیل دادم و کارشناسی مدیریت گرفته‌ام. امیدوارم که از من گذشت کنید تا بتوانم برای جامعه و خودم فرد مفیدی باشم. قاضی عبداللهی بعد از شور با اعضای دادگاه فربد را به ۱۰ سال حبس با احتساب ایام بازداشت و پرداخت دیه محکوم کرد. او به زودی از زندان آزاد می‌شود.

آخرین اقرار قاتل خیاط باشی

پسر جوانی که متهم است دوست خیاطش را در حوالی بازار ارامنه به قتل رسانده و جسدش را آتش زده است، ادعای تازه‌ای را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده بامداد روز دوشنبه ۱۶ شهریور ماه همزمان با کشف جسد سوخته پسر جوانی در بازار ارامنه تهران از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی به جریان افتاد. ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد همان روز کارگران کارگاه تولیدی پوشاکی با دیدن شعله‌های آتش در زمین خالی موضوع را به مأموران پلیس و آتش‌نشانان خبر دادند. لحظاتی بعد مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار در محل حاضر شدند و پس از خاموش کردن آتش با جسد پسر ۲۵ ساله‌ای داخل خاکسترهای آتش روبه‌رو شدند. همان ابتدا جسد مقتول که با ضربه چاقو به قتل رسیده و بعد به آتش کشیده شده بود به نام حسن شناسایی و مشخص شد مقتول که خیاط بوده در یک کارآگاه خیاطی در همان نزدیکی کار می‌کرده است. پس از اعلام این خبر قاضی منافی آذر، بازپرس ویژه قتل از دادسرای جنایی تهران به همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. بررسی‌ها نشان داد مقتول در مکان دیگری به قتل رسیده و بعد به این مکان منتقل و جسدش آتش زده شده است. پسر دایی مقتول که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: من و مقتول و چند نفر دیگر از شهرستان زنجان برای کار به تهران آمدیم و در کارآگاه خیاطی مشغول به کار شدیم. امشب حسن قرار بود با یکی از دوستانش به نام شهاب برای چسباندن آگهی به خیابان بروند. من از او بی‌خبر بودم تا اینکه متوجه آتش‌سوزی زباله‌های نزدیک کارگاه خیاطی شدم. وقتی آتش‌نشانان آتش را خاموش کردند با جسد پسرعمه‌ام روبه‌رو شدم.

پس از این، تیم جنایی از شهاب تحقیق کردند. شهاب در بازجویی‌ها منکر اطلاع از مرگ دوستش شد. وی گفت: من و حسن با هم شام خوردیم و او به کارگاه خیاطی‌اش رفت و قرار بود ساعتی بعد پیش من بیاید تا با هم برای چسباندن آگهی به خیابان برویم، اما نیامد تا اینکه از طریق پسر دایی‌اش فهمیدم به قتل رسیده است. مأموران وقتی متوجه تناقض‌گویی شهاب شدند وی را به عنوان مظنون این حادثه بازداشت کردند. پس از این مأموران برای کشف راز این حادثه فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را بازبینی کردند. دوربین‌ها چهره پسر جوانی را نشان می‌داد که جسد پتوپیچ شده‌ای را به زمین بایر منتقل و کنار زباله‌ها رها می‌کرد. در حالی که بررسی‌ها نشان داد پسر جوان کسی جز شهاب نیست، وی دوباره مورد بازجویی فنی قرار گرفت.

متهم در بازجویی‌های بعدی هر بار ادعای تازه‌ای را مطرح کرد تا اینکه صبح دیروز پس از گذشت حدود پنج ماه از حادثه، اعتراف جدیدی را مطرح کرد.

وی در حالی که مدعی بود قاتل نیست، گفت: من و حسن با هم دوست بودیم. شب حادثه قرار بود با حسن شام بخورم. او دو عدد دوغ هم از بیرون خریده بود. وقتی در دوغ‌ها را باز کرد به صورت پنهانی مقداری پودر به داخل یکی از دوغ‌ها ریخت. از آنجایی که احتمال دادم قصد دارد مرا بیهوش کند، دوغ را به طوری که متوجه نشود، جابه‌جا کردم و حسن همان دوغی را خورد که داخلش ماده‌ای ریخته بود. بعد از آن من به داخل خیابان رفتم و تعدادی آگهی چسباندم. ساعتی بعد دیدم بیهوش روی صندلی افتاده است هر چقدر صدایش زدم جوابی نداد تا اینکه فهمیدم فوت کرده است. خیلی ترسیدم و ابتدا تصمیم گرفتم که داخل کارگاه او را دفن کنم، اما بعد پشیمان شدم. از طرف دیگر اگر جسد در کارآگاه می‌ماند همکارانم متوجه می‌شدند به همین دلیل جسدش را پتوپیچ و به داخل زمین بایری در نزدیکی کارگاه منتقل کردم و روی جسد مقدار زیادی ضایعات ریختم تا کسی متوجه جسد نشود و من بتوانم در فرصت مناسب جسد را به مکان دیگری منتقل کنم. وی ادامه داد: سپس به طرف کارگاه برگشتم. دقایقی بعد متوجه آتش‌سوزی داخل زمین بایر شدم، اما نمی‌دانم که چه کسی آن را آتش زد.

متهم برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان این حادثه به دستور قاضی منافی آذر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

متهم: اعتیاد برادرم زندگی‌مان را تباه کرد

اعضای خانواده‌ای از پسر خطاکارشان که برادر معتادش را به قتل رسانده بود، اعلام گذشت کردند.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز مرد میانسالی به همراه دختر جوانش به شعبه نهم دادسرای جنایی آمد و به قاضی ایلخانی بازپرس ویژه قتل گفت که قصد دارد پسر جوانش را که ۲۶ دی ماه برادر معتادش را به قتل رسانده بود، ببخشد. این مرد پس از ارائه رضایتنامه کتبی به بازپرس گفت: مقتول پسر بزرگم بود و ۳۴ سال داشت. او معتاد بود و همیشه من، دختر و پسرم را اذیت می‌کرد. بین همسایه‌ها و بستگان برای ما آبروی نگذاشته بود و همه از دست او ناراضی بودند. چندین بار او را به کمپ ترک اعتیاد بردم تا ترک کند، اما فایده‌ای نداشت. مقتول همیشه با ما درگیر بود و با چاقو مرا تهدید به مرگ می‌کرد. روز حادثه پسر کوچکم پس از درگیری به صورت اتفاقی او را به قتل رساند و من الان آمده‌ام تا به عنوان ولی‌دم رضایت بدهم.

آغاز ماجرا

ساعت ۱۴ و ۳۵ دقیقه روز ۲۶ دی ماه قاضی ایلخانی با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۹ بی‌سیم از قتل مرد جوانی در خانه‌ای حوالی خیابان ۱۷ شهریور جنوبی باخبر شد. لحظاتی بعد بازپرس به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد ۳۴ ساله‌ای روبه‌رو شدند که بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول لحظاتی قبل با برادر ۳۱ ساله‌اش به نام ارسلان درگیری مرگباری را رقم زده است که در جریان آن ارسلان وی را به قتل رسانده است.

متهم که در محل حادثه خودش را تسلیم پلیس کرده بود، گفت: برادرم چندین سال است که به مواد مخدر شیشه معتاد است. او همیشه ما را اذیت می‌کرد تا جایی که دو سال قبل مادرم از دست او دق کرد. پس از این آزار و اذیت‌های او ادامه داشت به طوری که همیشه خواهر و پدرم را کتک می‌زد. من از دست کارهای او خسته شده بودم تا اینکه روز حادثه من و پدرم داخل مغازه‌مان بودیم که مقتول وارد و با ما درگیر شد. او پس از اینکه پدرم را با چاقو تهدید به مرگ کرد، از مغازه خارج شد. ساعتی بعد من به خانه رفتم تا ناهار بخورم و به مغازه برگردم. وقتی به خانه رسیدم متوجه شدم او خواهرم را کتک زده است. در حالی که با خواهرم در حال حرف زدن بودم، ناگهان مقتول به من حمله کرد و قوری آب جوشی را به سرم زد. او با مشت و لگد مرا کتک زد که من هم چند تا مشت به او زدم تا اینکه دو نفری از روی پله‌ها به پایین سقوط کردیم. آنقدر عصبانی بودم که پایین پله‌ها گلویش را چند دقیقه فشار دادم تا اینکه متوجه شدم، فوت کرده است. وی در پایان گفت: من قصد قتل برادرم را نداشتم و الان هم پشیمان هستم که این اتفاق ناگوار رخ داد.

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت تا اینکه صبح دیروز پدر مقتول به دادسرای جنایی آمد و رضایتنامه کتبی خود را به قاضی ایلخانی ارائه داد. متهم به دستور بازپرس روانه زندان شد.

صدای آژیر سارقان مسلح را فراری داد

دو سارق مسلح پس از شلیک به شیشه مغازه یک طلافروشی قصد سرقت داشتند که با شنیدن صدای آژیر از محل گریختند.

این حادثه شامگاه یک‌شنبه در خیابان نبوت بلوار طبرسی مشهد اتفاق افتاد و مأموران پلیس با تماس صاحب مغازه از ماجرا با خبر و در محل حاضر شدند. صاحب مغازه در شرح ماجرا گفت: لحظاتی قبل ناگهان دو سارق مسلح شروع به تیراندازی به ویترین مغازه کردند و قصد سرقت طلا داشتند که به سرعت آژیر را به صدا درآوردم و همزمان کرکره مغازه را هم پایین کشیدم تا نتوانند وارد شوند و بعد به پلیس خبر دادم. سارقان بعد از شنیدن صدای آژیر ترسیدند و بدون سرقت از محل فرار کردند. مأموران پلیس همزمان با بررسی دوربین‌های مداربسته محل، تحقیقات برای بازداشت عاملان حادثه را شروع کردند.

شاه پوشالی مازندران سرنگون شد

محمود طالبی، شرور معروف شهرستان بابل که خود را شاه خودخوانده مازندران نامیده بود، سرانجام از تخت پوشالی‌اش به زیر کشیده شد. این مرد به اتهام افساد فی‌الارض تحت تعقیب پلیس قرار داشت که سحرگاه دیروز در مخفیگاهش به دام افتاد.

هفته قبل بود که خبر رسید این مرد شرور یکی از اوباش منطقه گتاب بابل را ربوده و همزمان با شکنجه وی، فیلم آن را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده تا اوباش شمال کشور اقتدار او را به رسمیت بشناسند. انتشار این فیلم اما واکنش اوباش شهرهای دیگر مازندران را به همراه داشت. آنها هم با برهنه کردن بدن‌های خود و عربده‌کشی از رفتارهایشان فیلم تهیه و آن را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند. انتشار این فیلم‌ها و رجزخوانی اوباش در شبکه‌های اجتماعی، منجر به بروز نگرانی عمومی در شهرهای مازندران شد و واکنش دستگاه قضا و پلیس را به همراه داشت و محمود طالبی به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض تحت تعقیب قرار گرفت. مأموران پلیس بعد از شناسایی همه اوباشی که اقدام به انتشار فیلم در شبکه‌های اجتماعی کرده بودند، آنها را یک به یک دستگیر کردند تا اینکه خبر رسید، شاه‌خودخوانده اوباش هم ساعت سه بامداد دیروز به همراه همدستش هانی در مخفیگاهش در یکی از روستاهای شهرستان بابل به دام پلیس افتاد. این فرد قبلاً هم به دلیل ارتکاب جرائم مختلف و ایجاد وحشت عمومی بازداشت و روانه زندان شده بود. متهم با حکم قاضی راهی تبعید در سیستان و بلوچستان شده بود، اما در جریان طی کردن دوران محکومیت خود یک ماه قبل موفق به جلب رضایت شاکی و آزادی از حبس شده و دوباره اعمال مجرمانه‌اش را شروع کرده بود.

سردار مسعود جعفری نسب، فرمانده انتظامی استان مازندران گفت: متهم دارای ۱۵ فقره سابقه کیفری و شرارت است و در اولین بازجویی‌ها اعتراف کرد با هدف رجزخوانی اقدام به ساخت کلیپ کرده بود. وی ادامه داد: همه متهمان که در جریان ساخت کلیپ‌ها نقش داشتند، دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی و سپس روانه زندان شدند.

قتل رفیق هنگام شکار روباه

مردی که هنگام شکار روباه دوست خود را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود، به جرمش اقرار کرد.

چند روز قبل رهگذرانی که در حال عبور از جاده روستایی جوشان الیگودرز بودند با دیدن خودروی پراید پارک شده کنار جاده به آن نزدیک شدند و با دیدن جسد راننده، پلیس را از ماجرا با خبر کردند.

بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که راننده با شلیک گلوله اسلحه شکاری‌ای که روی صندلی شاگرد قرار داشت، کشته شده است. بعد از شناسایی هویت مقتول، خانواده‌اش به پلیس گفتند که او صبح روز حادثه همراه یکی از دوستانش خانه را برای شکار روباه ترک کرده است.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها مظنون پرونده شناسایی و بازداشت شد. او در اولین بازجویی‌ها به جرمش اقرار کرد و در شرح ماجرا گفت: روز حادثه با خودروی پراید مقتول برای شکار روباه به طرف بیابان حرکت کردیم. در حال عبور بودیم که ناگهان یک روباه از میان جاده عبور کرد. مقتول اسلحه را به دست من داد و دنده عقب گرفت تا بتوانیم روباه را تعقیب و شکار کنیم. ناگهان دستم روی ماشه رفت و گلوله شلیک شد که به سینه دوستم برخورد کرد و کشته شد. از ترس نمی‌دانستم چه کنم به خاطر همین اسلحه را همانجا رها کردم و گریختم. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

بالاترین سرمایه اجتماعی پلیس اعتماد مردمی است

فرمانده نیروی انتظامی با بیان اینکه اعتماد مردم به پلیس بالاترین سرمایه اجتماعی نیروی انتظامی است، گفت: باید روز به روز این اعتماد و سرمایه بزرگ مردمی را ارتقا بخشیم.

به گزارش خبرنگار ما، سردار سرتیپ حسین اشتری در سی و هفتمین مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین با گرامیداشت آغاز دهه فجر پیروزی انقلاب اسلامی گفت: پلیس باید مظهر بزرگی و عظمت نظام و حضورش مایه دلگرمی و احساس امنیت و آرامش برای مردم و برای مجرمان و تبهکاران مایه ناامنی و برخورد قاطع باشد. وی ادامه داد: ما در مقابل گردن‌کشان و قلدران و زورگویانی که برخلاف قانون و ارزش‌ها و دستاوردهای نظام اسلامی هستند، مقتدرانه مقابله خواهیم کرد. وی خطاب به دانش‌آموختگان دانشگاه علوم انتظامی امین افزود: در دوره‌ای که در این دانشگاه تحصیل می‌کنید باید خود را برای اجرای مأموریت‌های خطیر آماده کنید. نظم سازمانی و فردی از نظر ظاهری و باطنی، رساله عملیه ما طبق آیین‌نامه انضباطی است که باید مورد توجه قرار دهیم. فرمانده نیروی انتظامی گفت: استفاده از دانش و علوم پیشرفته روز مبتنی بر مبانی دینی از دیگر شاخصه‌های پلیس جمهوری اسلامی ایران است و امروز امنیت، به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه بشری در جمهوری اسلامی ایران به برکت خون شهدا و رهبری‌های امام راحل و مقام معظم رهبری فراوان است.

مرگ خاموش ۳ قربانی گرفت

فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت از مرگ سه جوان بر اثر نشت گاز منوکسید کربن از یک دستگاه بخاری غیر استاندارد در پاکدشت خبر داد.

سرهنگ «سلمان آدینه‌وند» گفت: مأموران پلیس بعد از اطلاع از حادثه در محل حاضر و متوجه شدند سه جوان به علت استنشاق گاز منوکسید فوت شده‌اند. علت حادثه غیر استاندارد بودن دریچه بخاری و نداشتن کلاهک H اعلام شده است.

گرگ گرسنه گوسفندها را تلف کرد

گرگ گرسنه با حمله به آغل گوسفندان در شهرستان بافت، ۲۷ رأس گوسفند را تلف کرد.

این حادثه شامگاه یک‌شنبه اتفاق افتاد. ساعتی بعد از حادثه وقتی چوپان‌ها برای سرکشی به آغل رفتند از ماجرا با خبر شدند. نبود حفاظ مناسب برای دامداری، علت نفوذ آسان گرگ به محل نگهداری دام‌ها اعلام شده است. از ابتدای پاییز تاکنون گرگ‌ها بیش از ۴۰۰ رأس گوسفند را در مراتع شهرستان‌های بافت و رابر از بین برده‌اند که به گفته اهالی در سال‌های گذشته کم‌سابقه بوده است. خبر رسیده است که یک گرگ به گروهی از دانش‌آموزان دختر در روستایی از توابع شهرستان رابر حمله کرده و باعث وحشت آنها شده است. ادارات حفاظت محیط زیست رابر و بافت اعلام کرده‌اند گرگ‌ها گونه تحت حفاظت هستند و آنها نمی‌توانند اجازه از بین بردن این حیوانات را صادر کنند.

خارج از مدار

خواهران دوقلو جدا شدند

دوقلوهای به هم چسبیده سوئیسی هشت روز بعد از تولدشان از هم جدا شدند.

به گزارش روزنامه ایندیپندنت، این دو خواهر به هم چسبیده دو کیلوگرم وزن داشتند و از ناحیه کبد به هم چسبیده بودند که با عمل جراحی از هم جدا شدند. جراحان سوئیسی این عمل جراحی را با وجود آنکه تنها یک درصد احتمال موفقیت آن وجود داشت، انجام دادند. پزشکان گفتند حجم زیادی از خون با کمک کبد از یکی از نوزادان به بدن نوزاد دیگر منتقل می‌شد. این وضعیت باعث شده بود، فشار و حجم خون یکی از این دوقلوها نسبت به دیگری بیش از حد بالا باشد. وضعیت دو کودک رضایتبخش اعلام شده است.

باشگاه حقوقی

اجاره‌بها و اجاره‌نامه

در مواردی که اجاره‌بها تنظیم شده باشد، میزان اجاره همان است که در اجاره‌نامه نوشته شده است و اگر اجاره‌نامه تنظیم نشده باشد، به اندازه‌ای است که بین طرفین نوشته و یا عملی شده است و اگر اندازه آن معلوم نشده باشد، از طرف دادگاه به نرخ روز معین می‌شود. در مواردی که بین صاحب ملک و مستأجر راجع به تنظیم اجاره‌نامه یا مقدار اجاره بها اختلاف وجود داشته باشد، هر کدام می‌توانند به دادگاه مراجعه کنند. دادگاه میزان اجاره‌بها را از تاریخ دادن دادخواست تعیین می‌کند. همچنین اگر کسی از ملک دیگری بهره برده باشد و میزان اجاره بین آنها معین نشده باشد. باید اجرت آن را به صاحب ملک بپردازد و دادگاه می‌تواند نسبت به اجرت زمان قبل از ارائه دادخواست و نیز خسارت تأخیر پرداخت آن حکم صادر کند.

در همه مدتی که دادرسی در جریان است، مستأجر باید اجاره را بپردازد و از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، طرفین مکلف هستند در مدت یک ماه به ترتیب مقرر در حکم، اجاره را تنظیم کنند. اگر در این مدت اجاره‌نامه تنظیم نشود، به تقاضای یکی از طرفین، دادگاه رونوشت حکم را برای تنظیم اجاره‌نامه به دفتر اسناد رسمی ابلاغ و به طرفین اخطار می‌کند که در ساعت و روز معین برای امضای اجاره‌نامه در دفترخانه حاضر شوند. اگر صاحب ملک حاضر به امضای اجاره‌نامه نشود، نماینده دادگاه اجاره‌نامه را به مدت یکسال از طرف او امضا می‌کند و اگر مستأجر تا ۱۵ روز از تاریخ تعیین شده حاضر به امضا نشود. دادگاه در صورتی که عذر مستأجر را موجه نداند، به تقاضای صاحب ملک، حکم تخلیه صادر می‌کند و این حکم قطعی است.